

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

15

شماره ۱۳۶۲

دوره جدید ، شماره ۱۰

حکومت قهرمانان و پیران دانش ، به پایگاه

مفتاحوا - مفتاحوا

همزمان با سالگرد شهادت دو نفر از پیشمرگان دلاور ساژمان چریکهای فدایی خلق ایران رفقای فدایی انور اعظمی و جواد گاشی که سال گذشته در نبرد قهرمانانه علیه مزدوران رژیم خونآشام خمینسی در منطقه بوکان به شهادت رسیده بودند، چند دسته از پیشمرگان قهرمان ساژمان چریکهای فدایی خلق ایران شبانه ششم شهریورماه با بسک بزرگ از پیش طرحریزی شده به پایگاه قا قلاوا در اطراف منطقه بوکان یورش آوردند و ضمن منهدم نمودن قسمتی از پایگاه با سلاح های نیمه سنگین و بسک نظیر آر پی هفت، نارنجک انداز و مسلسل دستی ارشیان، جاشها و پاسداران مستقر در پایگاه را زیر آتش سهمگین خود گرفتند و عده زیادی از آنان را کشته و زخمی نمودند.

«ماركس» انقلابي

ما مصمم هستیم که ریشه هرگونه انحراف را از درون جنبش کمونیستی و کارگری ایران برکنیم. ما کمر بسته ایم که با دفاع بلاوقفه از سوسیالیسم علمی و استقلال طبقاتی کارگران، بدون گذشت به عیبها و زوایای هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم بهشتا بد بیگانگی این روش و علمی طبقه کارگر ادامه دهیم. و بیرحمانه - ابتدولویهای غیر پرولتری را که خود را به لباس مارکسیسم آراسته اند افشاء و شرد و منزوی سازیم. ما در امر اجرای وظیفه خطیر خود یعنی تشکیل و آگاهی طبقه کارگر و رهبری این طبقه تا نیل به سوسیالیسم و کمونیسم توفیق نخواهیم یافت مگر آنکه در هرگام به بیرحمی که علیه بورژوازی پیشکار میکنیم به افشاء و طرد ابتدولوی در صفه ۴

سوالگردشبات رفیق رشید نودان بناد (مسئعو) کرانی ناد

۱۷ شهریور روز وحشت شاه از قیام توده ها

با اوج گیری اعتراضات سراسری توده های بیباک خاسته ایران و ~~مستمران~~ قزاقبندانی که رژیم منفور پهلوی را فرا گرفت ، شاه جلاد که سرنگونی خود را نزدیک میدید ، زمانی که تمامی حیل و نهیرنگها یش برای فرو نشاندن مبارزات توده ها نقش بر آب شد کشتار مردم را شدت بخشید و فاجعه ۱۷ شهریور را آفرید . این راه و رسم تمامی رژیمهای سرجمع از منافع سرمایه داران است رژیم شاه با کشتار وحشیانه مردم در صفحه ۱۱

گارگران
وزحمتکشان
مستغلهشوید

گريگا ران
وزہ حمہ تکیشا نی
جیہا ن یہ ک گرن

از تبار افیر
بیاموزیم

رویداد های نظامی می بکند ما در دسترس
افزایش در گردش ستان و توسعه ای که طی این
مدت به وقوع پیوسته است ضرورتی است
بر خورد مجدد را به مسئله جنگ در گردش
ستان و اصول اساسی که با پیوسته و
تا کتب که ای نظامی مرحله گسترده
ها کم به شدت الزام آورده می شود
نبرشی که به خواهد در این مرحله از
جنگ که رژیم ارتجاعی ها کم به شدت
یک تعرض گسترده و همه جا نبه
گردستان زده است نقش فعالی در
ایضا نماید به ما به
تصرفات نظامی رژیم برخیزد.

१ चन्द्रिका

مُشَدِّدًا وَهٖ مَجَاهِدِينَ خَلَقَ

۱۰۰ و ۱۰۱

د. ا. شماره

پرو کودتای شیلی، شکست دولت آلند
و ورشکستگی فرامیسم.

بیادشهدای ، روستای قارنای
گرا می بساد .

پودھ داری سازائی
شیریک اسد بیگم

[illegible]

هه موو مېلله نېك ماقي د پاري كړونې چاره نويسي خوږ هه يه

از تجارب اخیر بیاموزیم

از صفحه ۱

توده مردم را در مبارزه علیه آن بسیج کند و برای بکشمز متقابل آماده شود، بابت واقعیت تفصیلاتی را که جنگ طی یکی، دو و سه سال گذشته در کردستان طی کرده است در نظر گیرد مرحله کنونی آنرا بشناسد و تاکتیکهای ویژه آنرا بکار بندد این تفصیلات را میتوان بهنین خلاصه کرد: دشمن تعرض - استراتژیک خود را آغاز کرده است مناطق وسیعی را با اشغال خود در آورده است. نیروی پیشمرگه در وضعیت دفاع استراتژیک قرار دارد و شکل عمده جنگ پیش از پیش با رتیزانی میگردد. در این مرحله منطقه اصلی عملیاتی پیشمرگه خطوط خارجی است و اصل اساسی حاکم بر عملیات باید حفظ نیروهای خود بشود آوردن، خسته و فرسوده کردن نیروی دشمن از طریق وارد آوردن یک سلسله ضربات مداوم و لاینقطع بآن با تکیه بر تاکتیکهای تعرضی و سرانجام تدارک سیاسی و نظامی برای تعرض متقابل در مرحله تعرض استراتژیک باشد. از اینرو بقاء و رشد جنبش طی این مرحله در این است که نیروی پیشمرگه با ضربات مداوم خود لحظه ای دشمن را که اینک با عمق منطقه وسیعی گشیده شده است آرام نگذارد. نیروهای آنرا در معرض ضربات مداوم قرار دهد، کمین گذاری کند و ادهای در حال حرکت آنرا متلاشی کند، آرامش را از واحدهای مستقر آن بگیرد. به پایگاههای آن ضربات سریع و برق آسای مداوم وارد آورد. غافلگیرانه به مراکز تجمع آن یورش برد. در مسیر عبور و مرور نیروی آن مین گذاری کند، خطوط ارتباطی آنرا مختل کند و تمام منطقه را برای آن نا امن سازد. روشن است که دشمن نیز بیکار نخواهد نشست، تلاش خواهد کرد که بر تعرضات خود نسبت به مناطق زاده شده بیاورید تا امکانات متعدد پیشمرگه را محدود سازد و در جهت خنثی کردن عملیات تعرضی نیروهای پیشمرگه در مناطق پشت جبهه وارد آوردن ضربات بآن، عملیات محاصره و سرکوب را

بیش از پیش در دستور کار قرار دهد. نظری به رویدادهای یکماهه اخیر در جنگ کردستان از جمله تعرض سریع و گسترده رژیم به منطقه که ورک و اشغال برخی مناطق آزاد شده و نیز شهادت ۱۶ تن از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان - ایران در منطقه لیلخ سنندج طی یک عملیات محاصره و سرکوب رژیم به خوبی اهداف نظامی و تاکتیکی اساسی رژیم را طی مرحله کنونی جنگ نشان میدهد. از یکسو رژیم میکوشد مناطق آزاد شده را پیش از پیش محدود کند و در همان حال تلاش میکند با توسل به عملیات محاصره و سرکوب پیشمرگانی را که در خطوط پشت جبهه عملیات نظامی انجام میدهند، سرکوب کند این رویدادها در عین حال بیانگر این واقعیت نیز میباشد که هر چند نیروهای مختلفی که در جنبش انقلابی خلق کرد در حال مبارزه اند بدرجات مختلف بر سر مرحله کنونی جنگ و تاکتیکهای ویژه آن اتفاق نظر دارند با این وجود هنوز این مرحله، تاکتیکهای آن و خصوصیات ویژه این تاکتیکها بدرستی درک نشده است. هنوز عمیقاً این واقعیت درک نشده است که امروز حفظ مناطق آزاد شده با همان تاکتیکها و شرایط گذشته امکان پذیر نیست. دشمن با استفاده از نیروهای وسیع، سلاحهای پیشرفته تر، و تاکتیکها و تکنیکهای جدید تری به مناطق آزاد شده یورش می آورد - بنا بر این دفاع از مناطق آزاد شده نیازمند تاکتیکهای نوپس هوشیاری بیشتر و امکانات گسترده تر است و از سوی دیگر باید اصول حاکم بر عملیات نظامی در جنگ پارتیزانی با دقت تمام رعایت شود. و عملیات نظامی پشت جبهه دشمن مستلزم هوشیاری کامل، حمله مخفیانه و غافلگیرانه ضربه برق آسا، پایان بخشیدن سریع به نبرد و ترک فوری منطقه عملیاتی است. هوشیاری اولین و اساسی ترین شرط برای اجرای موفقیت آمیز عملیات نظامی یک واحد پیشمرگه است. یک واحد پیشمرگه که در پشت جبهه دشمن حرکت میکند باید در تمام حالات، هنگامیکه عازم انجام عملیات نظامی است هنگامی

که از یک روستای واقع در خط هو خارجی گذر میکند، در پی روستا یا گوه استراحت میکند هنگامیکه بدشمن حمله میکند و به منطقه عملیاتی را ترک نمیباید. هوشیاری خود را بطور مداوم حفظ کند. یک واحد پیشمرگه باید تمام مراقب تمام حرکات دشمن باشد مراکز رفت و آمد و کمین گذاری آنها را بداند. به دشمن کم نباشد و ... هوشیاری در معنای وسیع خود که توأم با شناخت دقیق باشد، اصلی ترین و اساسی ترین مسئله برای حرکت یک واحد پیشمرگه است. پس ضروریست که پیش از هر مرحله کنونی عملیات کلا مخفیانه به مرحله اجرا در آید. اجرای مخفیانه عملیات هم مستلزم مخفی کاری در زمینه طرح و نقشه و هم اجرای عملیات است به نحوی که نه نیروهای دشمن و نه جاسوسان آن هیچیک نتوانند متوجه عملیات شوند. علاوه بر این جنبه غافلگیرانه در عملیات اصل مهم دیگر است که باید بر عملیات نظامی در مرحله کنونی حاکم باشد. یک واحد پیشمرگه باید غافلگیرانه بر نیروهای نظامی رژیم و هدفهای نظامی آن یورش برد. ابتکار عمل را از دست او بگیرد و اجازه ندهد که از خود واکنش نشان دهد. اما اصل غافلگیری مستلزم سرعت عمل است. باید عملیات نظامی به شکل برق آسا انجام پذیرد و سر به نبرد پایان داده شود. چرا که اگر در مرحله کنونی انجام یک عملیات بدارازا بکشد با توجه به اینکه عملیات در خطوط خارجی انجام میگردد و پیشمرگه در محاصره پایگاههای دشمن دست به عملیات میرسد، این امکان برای رژیم وجود خواهد داشت که نیروی وسیعی را از پایگاههای اطراف به محل درگیری اعزام کند، از واحدهای هوایی خود استفاده کند و حتی واحد پیشمرگه را به محاصره خود در آورد. و سرانجام تسرک سریع منطقه عملیات و دور شدن از منطقه درگیری اصل بسیار مهم دیگر است که باید بر عملیات واحدهای پیشمرگه حاکم باشد. در مرحله کنونی جنگ دیگر نمیتوان پس از انجام یک عملیات آرام آرام مثل درگیری را ترک کرد و یا در روستاهای اطراف نقطه درگیری

حق ملل در تعیین سرنوشت خویشی حق مسلم آنهاست

از تجارب اخیر میهن‌دوستان

استراحت نکرد. تا اکنون نمونه‌های متعدد نشان داده است که در چنین مواردی دشمن با استفاده دست به تعقیب پیشرنگ می‌زند و با می‌کوشد منطقه وسیعی را تحت محاصره و کنترل خود در آورد. از اینرو با رعایت دقیق این اصول و موازین است که می‌توان نیروی خود را حفظ کرد، ضربات مداوم دشمن وارد آورد، نیروی آنرا خسته و فرسوده و مایوس نمود و برای یک تضرع استراتژیک آماده شد. اما برخی از وقایع نظامی یک گذشته نشان می‌دهد که هنوز در برخی موارد با مشکلات گذشته برخورد می‌شود. اگر مرحله گزینی جنگ، اهداف و تاکتیکهای نظامی دشمن بدرستی درک نشود و تاکتیکهای منطبق بر مرحله کنونی اتخاذ گردد، تمام تلاشهای نظامی رژیم غشی خواهد شد و از ضربات سنگین به پیشرنگ جلوگیری خواهد شد. تنها با آموختن از تجارب اخیر است که میتوان زمینه را برای پیروزیهای بیشتر و سریعتر خلق کرد فراهم ساخت.



هشدار به مجاهدین خلق

اخیراً سازمان مجاهدین خلق دست به تکثیر و انتشار نشریاتش با نام و آرم سازمان مابا متضمون مائیداری از شورای ملی مقاومت زده است. ما ضمن محکوم کردن این اقدام مجاهدین به آنها هشدار میدهیم که دست از این اعمال پلید و توطئه‌گرانه خود بردارند و از هم اکنون اسلام می‌کنیم با با هر کسی که این نشریات را پخش کند، شدیداً برخورد خواهد کرد.

یادگاران شهید رفیق دستگرا می‌باشد



از منطقه ۱۹

را بیان نمودیم. پس از تمام ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم شاه به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوسته و عمل تازه‌ای را در مبارزه‌اش برای رهایی کارگران و زحمتکشان و رسیدن به دموکراسی و سوسیالیسم گشود. بعد از پیروزی اول رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ۲۸ مرداد ۵۸ به تشکیل هسته‌های مخفی مقاومت در شهر بوکان پرداخت و در عملیات متحرکه‌ای که منجر به سقوط شدن عناصر خود فروخته (جاشها) و انهدام مقرهای مزدوران می‌شد فعالانه شرکت می‌جست.

رفیق پس از بدست گرفتن شهرها توسط نیروهای انقلابی و پیشرنگان تجارب گرانبهایی را در زمینه کارهای نظامی در شهر کا میابان بدست آورد. شرکت فعالانه در درگیریهای دارس اوین، دره قاسلو، شهرهای سقز و بانه دلیل بارز شکارت و هوشیاری رفیق بود پس از خیانت جریان موسوم به اکثریت رفیق مجدداً در کنار همسنگران خود در سازمان قرار گرفت و بار دیگر در حیطه عمل وفاداری خود را به آرمان کارگران و زحمتکشان به ثبوت رسانید. و سرانجام در روز ۲۱ شهریور ماه سال گذشته هنگامیکه فرماندهی عملیات رفقای پیشرنگ را در شهر بوکان بعهده داشت گلوله پاسداران ارتعاص و غارتگران جمهوری اسلامی قلب پر مهرش را از طیش انداخت.

یادش را با ادامه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق گرامی می‌داریم.



پیروزی و حشیانه رژیم به منطقه که ویرانه‌ها با باد مقاومت

سازمان مجاهدین خلق ایران در پیروزی می‌باشد. در منطقه جنوب غربی پیروزی رفقای سازمان ۶/۵ ساعت صبح پیروزی سختی را با مزدوران جمهوری اسلامی آغاز نمودند. دشمن ابتدا با تلفات سنگینی دست به عقب‌نشینی زد، اما چند ساعت بعد با یک عملیه همه جانبه در حالیکه سنگرهای رفقای پیشرنگ را مورد حمله آتش اسلحه‌های سنگین خود قرار داد. در این عملیه به تصرف ارتفاعات و اوین، و مرسی گردید. در جهدهای دیگر نیز پیشرنگان گوماله علی‌المخصوص در جاده‌های به گنده‌کن ضربات محکمی به نیروهای دشمن وارد می‌سازند، و برای گزارش رادیو گوماله تعداد تلفات دشمن بیش از ۲۵۰ شده بوده است. روز بعد نیز رفقای پیشرنگ سازمان در ارتفاعات گنده‌کن عملیات قهرمانانه خود را حامیان سرمایه و دشمنان خلق را ادامه می‌دهند. رفقا با طرح یک ضد عملیه موفق به راندن مزدوران از ارتفاعات مذکور شده و تعدادی از آنها را کشته و زخمی نمودند. رفقای پیشرنگ زخمی‌شدن بدترین اسلحه‌های سنگین و عملیات پی در پی هلیکوپترهای دشمن قرار داشته هرگونه پیروی را از دشمن طلب می‌نمایند، دشمن زبون که برای حمله با پیشرنگان را بداشت شروع به خمپاره باران و توپ باران روستاهای موسی و گندما می‌کنند. چند ساعت بعد در حالیکه مغولوار به مردم بیدفاع شلیک می‌نمایند وارد روستاهای موسی و گندما می‌شوند، بقرار اطلاع به هنگام ورود به روستاهای خورخوره سازگه و موسی مردم را از خانه‌ها بیرون گشاده و صن‌هاکی وادیت این روستاها را زحمتکش غارت می‌شود و آنگاه دستگاههای تبلیغاتی ارتعاص حاکم از آنها بنام وسائل معادله شده به اصطلاح ضد انقلاب اسم می‌برد.

در ادامه این عملیات شب‌شبانه ۱۹ شهریور ماه گذشته، دشمن در روستاهای نه‌ستان و ... به کمین پیشرنگان حزب دموکرات می‌افتد و با دادن تلفات بسیار سنگین و بجای گذاشتن بیش از ۲۰ جسد عقب‌نشینی می‌نمایند. در این عملیات پیشرنگان

هر چه گسترده‌تر باد اتحاد عمل نیروهای دموکراتیک و انقلابی

سوسیالیسم جهانی در پوشش مارکسیسم انقلابی

از صفحه

های غیر پرولتری در جنبش طبقه کارگر برادریم، اکنون با قطعیت میتوان گفت که ما در این زمینه گامهای مؤثری برداشته ایم و بسط پیروزیهای شگرف و قابل ملاحظه آئین سائیل آمده ایم. ما بخود میسالیسم که پیراز مبارزات مداوم و مستمر خود در سالهای اخیر علیه - اپورتونیزم و جلوه های گوناگون آن اکنون جنبش کارگری و کمونیستی ایران بگانه سازمانی هستیم که پیروزمندان پرچم استقلال طبقاتی کارگران را بر دوش می کشیم. روشن است که این تلاش و مبارزه - نمیتواند خشم و غضب مدعیان دروغین مارکسیسم را بر نیانگیزد و حاملین سوسیالیسم خرده بورژوازی را که موجودیت خود را در برابر این مبارزه در خطر می بینند مرعوب و هراسناک نماید. این است انگیزه تمام حملاتی که امروز از چپ و راست به ما وارد میشود. از همین زاویه است که باید موضع گیریهای اخیر کومله و یک گروه دیگر بنام اتحاد مبارزان را - علیه سازمان مورد بررسی قسار داد.

مدتی بود که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) و یک گروه دیگر بنام اتحاد مبارزان کمونیست (سپند) تحت عنوان - "مارکسیسم انقلابی" به رجز خوانی برخاسته بودند. آنها که در - بحبوحه مبارزه همه جانبه سازمان ما علیه اپورتونیزم راست به سه سرمداری حزب توده که خطر عمده - ای برای جنبش ما محسوب میشد در کردستان جا خوش کرده بودند و - کالای قاچاقی سوسیالیسم خسرده - بورژوازی را زیر پرچم "مارکسیسم انقلابی" حمل میکردند. اکنون که با اولین حملات ایدئولوژیک مسا روبرو شده و خطر را از هم اکنون احساس کرده اند عنان اختیار را از دست داده و سرآمیده و وحشت زده دست به واکنشهای عصبی زده اند. آنان که توان مقاومت و ایستادگی در برابر ایدئولوژی مستحکم و منجم طبقه کارگر را در خود نمی بینند و بخوبی آگاهند که ایدئولوژی خرده بورژوازی آنها تاب تحمل در برابر ایدئولوژی -

طبقه کارگر را ندارد و در برابر موج مبارزه ایدئولوژیک ما بسرعت در هم خواهد شکست و هرگونه اش به سوئی پرتاب خواهد شد. یگانه راه و چاره خود را در واکنشهای عصبی جنجال آفرینی و بارانی از تهمت و افترا یافته اند که نمونه آن - اخیرا طی بیانیهای از سوی کومله و سپند انتشار یافته است. آری منطق خرده بورژوازی چنان است که چون حقانیتی ندارد، چسبون ایدئولوژی مستحکمی ندارد، بزودی از جا در می رود و راه و چاره را در جنجال و هیاهو می بیند. هنگامیکه نمایندگان واقعی طبقه کارگر را در برابر خود نمی بینند رجز می خوانند، هیاهو می میکنند ادعای نمایندگی طبقه کارگر را - میکنند و فریاد بر می آورند که - جریان ما در دنیا، نظیر ندارد. ما اکنون سکاندار انقلاب جهانی هستیم ما بلشویکهای عصر نوینیم، مسا می خواهیم اشتراک سبوتال نویسی بیای کنیم، اما بعضی اینکد مسا نمایندگان واقعی طبقه کارگر - روبرو گردید و اندک نسیم ملازمی در جهت مخالف وزیدن گرفت تاب - مقاومت را از دست میدهد. از جا در می رود، عصبانی میشود، شورش را در می آورد و تنها راه و چاره - اش را در این می بیند که شلوغش کند و داد و بیداد راه بیاندازد که بلکه هر کسی که با ایدئولوژی ما بمخالفت بر خیزد "توده ای است". اینها توده ای اند و... تا شایسته فرجی شود. اما منطق پرولتاریا چیز دیگری است. عصبانی نمیشود. از کوره در نمی رود، شلوغش نمیکند و چون ایدئولوژی مستحکم علمی دارد با استدلال محکم و متین خود هرگونه ایدئولوژی غیر پرولتری را مفتضح و بی اعتبار می سازد. پرده از چهره سوسیالیسم خرده بورژوازی بر میدارند. مدافعین و حاملین آنرا افشا - میکنند و سر جای خود می نشاندند. مبارزه طبقاتی منطق خامی خود را دارد. هیچ ملاحظه ای در کار نیست و هیچ رنجی نمیتواند در تداوم این مبارزه وقفه ایجاد کند. بر این مبنا باید به بیانی کومله و سپند پاسخ داد. اما برای اینکه خوانندگان نشریه بیشتر در جریان

سوابق مباحثات اخیر ما با کومله و سپند قرار میزنند متذکر میشویم که در خرداد ماه سال ۱۳۶۱ یکماه پس از انتشار برنامه کومله و سپند تحت عنوان "برنامه حزب کمونیست" مبانی این برنامه و ما هیئت از سوی شاخه کردستان سازمان مادر مقاله ای تحت عنوان "تاریکاتوری از برنامه حزب کمونیست" مورد نقد و بررسی همه جانبه قرار گرفت. در این نقد بر نکات بسیار مهم و اساسی انتقادات کومله و سپند در برنامه انگشت گذارده شده بود و نشان داده شده بود که این برنامه نه تنها از زوایای واقعیات شده است بلکه تراوش مغز توده ای روشنفکر است. از اینرو نه بدرد مبارزه می خورد و نه شایستگی نام "برنامه حزب کمونیست" را دارد. در همین جا بطور حاشیه ای متذکر شویم که اگر حقیقتا کومله و سپند نه در پی منافع گروهی و محفلی خود بلکه در پی منافع طبقه کارگر بودند میبایستی پیش از آنکه این سند را تصویب کنند در سطح جنبش به بحث می گذاشتند تا مورد بررسی همه جانبه سازمانها و گروههای عمل قرار می گرفت اما آنها نه تنها چنین نکردند بلکه هنگامیکه این برنامه از سوی ما مورد نقد قرار گرفت و ما هیئت آن بر ملا گردید از پاسخ بدان سو باز زدند. تنها پس از گذشت چند ساعه زیر فشار هواداران خود به جنبش بشارت دادند که خیال پاسخ به نقد ما را دارند و مقدمه مانندی نیز بعنوان پیش درآ مد بحث در نشریه "پیشرو" - ارگان کومله منتشر کردند و اعلام نمودند که از این پس به صورت یک سلسله مقالات به نقد برنامه پاسخ خواهند داد. اما پاسخ باین نقد کار ساده ای نبود. نزدیک به یک سال گذشت و مقالات دنباله دار هنوز اولین شماره اش منتشر نشده بود قطع گردید سپس آنها طی نامه هائی به چند سازمان از جمله سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - خواستند که نظر خود را پیرامون برنامه کومله و سپند اراشه دهند. پاسخ کمیته مرکزی سازمان در نامه ای که در نشریه کار نیز چاپ - رسید بآنها داده شد. همه سازمان ها با اتفاق برنامه را رد کردند. اکنون دیگر کاملاً روشن شده بود که برنامه حزب و خود حزب با شکست

تابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سوسیالیسم دشتانی ... از ...

روبرو شده بود. اما کومله و سهند که تمام پلهای پشته خود را - غراب کرده بودند باز هم پشیم نگرشتند، لاجابت ورزیدند، حرف مردم یکی است. حالا که کسی بدور برنامه جمع نشده است و هیچ سازمان و گروهی آنها تهدید و ترس است. کومله و سهند میباید حزب با صلاح کمونیست خودشان را تشکیل دهند. در چنین شرایطی که از همه سو قطع امید شده بود بیانییه ۱۱ مصلحتی اما نه بیانییه سیاسی بلکه فتنه کومله و سهند - در عنوان "مواقع اخیر سلفها" راه کارگر در قبال برنامه حزب کمونیست کومله و اتحاد مبارزان در پانزدهم مرداد ماه ۱۳۶۲ منتشر گردید که یکبار آن چنین است: "موضعگیریها و اظهارات رسمی اخیر سازمان جریکهای فدایی خلق ایران (گروه موسوم به اقلیت) و سازمان راه کارگر بر علیه برنامه حزب کمونیست کومله و اتحاد مبارزان کمونیست بیاتر و گران و تفتت و ترویی روزافزون ایران و گویای شکلگیری تحولات گران کننده و انفجاری در درون این سازمانهاست" سلفها و راه کارگر در طول یکسال اخیر گام به گام به صورت آشکار و خفیه با مارکسیسم انقلابی ایران افزوده اند، "بیانییه" فاضل قطعا جانشین برغورد رسمی - شکلاستی ما با سلفها در مورد این مواضع خسانه و ارتجاعی نیست و ضرورت این اقدام بجای خود محفوظ است. گرابخوردن افزون این طیف به دفاع آشکار و سرافرازه از شوروی و با اردوگاه با صلاح سوسیالیسم و تلاش در جهت تطهیر این بلوک امپریالیستی و پرده - پوشی از بحران اقتصادی عمیق داخلی و سیاستهای فسادگرا و تبهکارانه که کارگری آن در صحنه جهانی است" در کنار این ضرورت روز - افزون با مارکسیسم انقلابی و همراه با دفاع هر چه سرافرازه تر این طیف از بلوک شوروی و شاهدلفاها ها و عبارتپردازیهای "رادیکال" این طیف پیروزه در شکل تقلیب ظاهری و رونیسی برخی احکام و شعارهای برنامه ای و سیاسی کومله و ا.م.ک نیز هستیم. کار ایتسن رادیکالیسم عاریتی بجای رسیده

است که نه تنها به سلفها و سلفها از برنامه حزب کمونیست (آسیا بخش حداقل آن) بر سر و معاد وارد بیانییه ها و مطالب "برنامه ای" سلفها و راه کارگر شده است" نیروهای طرفدار - رونیسی و سیم مدرن برای تشکیل یک بلوک رونیسی و سیم مدرن با بلوک حزب کمونیست به شکار پوخته اند. است حکام قد رونیسی و سیم مدرن اینان را وادار میکند تا همیش از پیش تسلیات واقعی خود را آشکار سازند. علنا به دفاع از شوروی و رونیسی و سیم مدرن برخیزند و اسدوار باشند که جای عالیسی انقلابیونی را که به این ترتیب جریان آنها را برای پیوستن به حزب کمونیست ترک خواهند کرد. جماعت باقیمانده اکثریتی و توده ای بر خواهند نمود. اقلیت به یک اکثریت جدید در شرایط امروز پیشک نمیتواند در تمام وجوه با تجربه شکل گیری خود جریان اکثریت مشابه باشد. "اقلیت امروز در شرایطی است که اکثریت به شکل میسرور کسبه سیاست شوروی در ایران بخاطر تغییر کرده است سلفها در وضعیت اول در برابر برنامه حزب کمونیست به مشابه دفاع و توجیهگر شوروی و خیانتهای بیانتهای این اردوگاه امپریالیستی به طبقه کارگر و انقلاب ایران ظاهر میشود. "سلفها اعتقاد به احیای داری در شوروی را "تجیب و قریب" میخواند و به این ترتیب موجودیت و مبارزه و دستاوردهای بخش عظیمی از کمونیستهای جهان را - منکر میشود. "سلفها میخواهند ... که نظریه جمهوری اسلامی را با دلی کند تا توده های کارگر را با توهم به طع به ازبوردن به کار بیشتر و بیشتر و "احسان" نکردن در تولید فرا بخواند. این بود چگونه بیانییه "هر کسی که با مواضع سازمان ما آشنا باشد" آشنایی داشته باشد از این همه احکام عجیب و غریبی که کومله و سهند علیه ما صادر کرده اند تعجب خواهند کرد. اما جای تعجب نیست هنگامیکه یک گروه با یک سازمان سیاسی توان برغورد شوروی

و سیاسی را به مخالفین خود - نداشته باشد. سناگزیر به سندر و احکامی میبرازد که هر آدم اندک آگاهی را به سنده و سندر در خلوتش شوش و سندر به ادعای نامه ای علیه ما باید شاسنامه فقیر تنوریک خود را منتشر کرده اند. به خوب بود که اینان لااقل با تمام ادعای خود این حقیقت را درک میکردند که دیگر جنبش ما به آن مرحله از بلوغ خود رسیده است که نتوان با صدور احکام بی پایه از پاسخ به مسائل تنوریک سیاسی ظفره رفت. کومله بدی است که موضعگیریها و اظهارات رسمی اخیر سازمان علیه برنامه با صلاح حزب کمونیست کومله و سهند بیاتر و گران - نگران کننده و انفجاری در درون سازمان است و گویا در مواضع ما نسبت به کومله و سهند تحریفاتی صورت گرفته است. در اینجا باید دو موضوع را از یکدیگر تفکیک نمود. نخست موضع قطعی ما کناره سازمانی ما در ارتباط با امثال کومله و سهند است که در قطعی ما نریج شده است بدلیل اشعار از مارکسیسم نمیتوانند در وحدت حزبی با ما قرار گیرند. اما در سلفها موجود در حضانقلاب جای دارند. از این جهت در موضعگیریهای رسمی سازمان در نشریه کار ارگان مواج سازمان و ریکان گیل - شویه شاخه کردستان سازمان هیچ تحریفی صورت نگرفته است اگر نگرانی کومله و سهند به موضع گیریهای بولتن شماره ۷ باز - میگردد که از کومله و سهند به عنوان "عمال خرابکار بورژوازی نام میرود. بعید است که کومله و سهند با این مسئله آگاهی نداشته باشند که بولتن مساحات ارگان مبارزه ایدئولوژیک است که اعضاء سازمان نظرات شخصی خود را در باره مسائل جنبش در این بولتن منعکس میکنند و این نظرات - مواضع رسمی سازمان محسوب نمیشود. و اما بعد، اینکه کومله و سهند در مصلحتیهای انقلاب قرار دارند بدین معنایت که ما خط و مرز میان انقلابیگری پرولتری خرد - بورژوازی را مفدوتر کنیم و با از انقای سوسیالیسم کاذب آنها دریک مبارزه ایدئولوژیک دست ببریم. غیر از این: سناکه در هر

پیروز و یاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سوسیالیسم دهقانی... از صفحه

در میان بود و نه ارائه برنامه .
برنامه کومله و سهند در -

اردیبهشت ماه سال ۶۱ منتشر شد
که یک ماه بعد از آن بنا به
گفته خود سهند هنگامیکه هنوز
مرکب آن خشک نشده بود بر مبنای
برنامه عمل سازمان در جلسه
تاریکاتوری از برنامه حسیز ب
کمونیست مورد نقد و بررسی قرار
گرفت بنا بر این بهتر است که
کومله و سهند از این شیوه های پر
خورد دست بردارند و بجای شانه
خالی کردن از پاسخ به انحرافات
خود و توسل به شیوه هایی که مدام
بزیان آنها تمام خواهد شد به
پاسخ مسائلی بپردازند که به
اعتقاد ما انحرافات اساسی کومله
و سهند را تشکیل میدهند . ما
اجازه نخواهیم داد که این مسایل
پوشیده و پنهان بمانند مجبور -
شان میکنیم نظرات و سواف خود را
روشن کنند تا بر همان انسداد
هواداری که دارند ، ماهیت این
نظرات روشن گردد . کومله و سهند
مدعی اند که در راه سوسیالیسم
بیکار میکنند و در مرحله کنونی
خواهان یک انقلاب دموکراتیک
پیروزمند و برقراری جمهوری
دموکراتیک انقلابی هستند . برای
اینکه نشان دهیم این مدعیان
"مارکسیسم انقلابی" تا چه حد
به سوسیالیسم معتقد هستند باید
مسئله را از همین تکت آغاز کرد
که "انقلاب دموکراتیک پیروزمند"
از دیدگاه کومله و سهند چیست
معنایی دارد و در "جمهوری
دموکراتیک انقلابی" وعده چگونه
تحولاتی را میدهند؟

لنین مکرر تأکید داشت که تنها
سخن گفتن از انقلاب کافی نیست
تنها شمار انقلاب کافی نیست .
برای اینکه وظائف انقلاب کاملاً
مشخص گردد ، و به انقلاب خیانت
نشود ، و "شمار انقلاب" مسرود
سوء استفاده قرار نگیرد "باید
بر آن شعار مشخص تأکید و
تصریح شود که مضمون واقعی
انقلاب و پیروزی قلمی آنرا بطور
صریح و روشن بیان کند باید
که "تصریح شود چه طبقات به
خصوصی باید روبنای جدید را
بسازند و همانا چگونه بسازند

قام خط و مرز میان دموکراتیسم و
انقلابیگری بهیچبر پیرویشی را نصبت
به ناپیگیری دموکراتیسم و انقلابی
گری خرده بورژوازی روشن کنیم -
نشان دهیم که سوسیالیسمی که کومله
و سهند مدافع آن هستند نه -
سوسیالیسم علمی بلکه سوسیالیسم
تغییلی خرده بورژوازی است . از این
جهت موضعگیریها و اظهارات اخیر
سازمان ما که در پاسخ کمیته
مرکزی سازمان به کومله و سهند
در "تاریکاتوری از برنامه حسیز
کمونیست" و مقالات نشریه "ریکا ی
کد" در باره بوندیست بودن کومله
و سبک کار کومله برای تشکیل حزب
منعکس است هم برای این سازمانها
نگران کننده است و هم اسفبار .
چرا که در این مقالات ماهیست
طبقاتی کومله و سهند و سوسیالیسم
آنها بر ملا شده است و جایگاه -
واقعی آنها در جنبش روشن گشته
است و ما در همین مقاله نیز یک
بار دیگر به رثون کلی مهمترین
این مسائل اشاره خواهیم کرد .
بماند همچنین مدعی است که کومله
سازمان برنامه عمل خود را از
برنامه حداقل کومله و سهند اقتباس
کرده است باید از اینکه سطح
برخوردهای کومله این چنین نزول
کرده است تا سب خورد ، و این خود
جنبه دیگری از ناتوانی تشویریک
را در کومله و سهند نشان میدهد .
اولاً ، هر انسان اندکی آگاهی که
برنامه سازمان را خوانده باشد و
آنرا با برنامه حداقل کومله و
سهند مقایسه کرده باشد به آسانی
می میداند که این دو برنامه کیفی
متفاوتند و اساساً از یکدیگر
متما یز . برنامه عمل ما برنامه
پرولتاریای انقلابی برای تحولات
انقلابی است . در حالیکه برنامه
کومله و سهند برنامه ای خرده -
بورژوازی با مضمونی بورژوا
پریمیستی . ثانیاً هر چند که به
این شیوه برخورد اعتقاد نداریم
اما بنا بر این خاطر نشان میسازیم
که برنامه عمل سازمان دو ماه پس
از نخستین گنگره در آستانه
سومین سالگرد قیام بهمن -
ماه در بهمن ماه سال
۶۰ در شماره ۱۵۰ نشریه "کار" -
منتشر گردید یعنی هنگامیکه هنوز
نه بحثی از برنامه کومله و سهند

بدون چنین تصریحی شعار انقلاب
در لحظه فعلی شعاری پوچ و بی-
مضمون خواهد بود... اما این
تصریح عبارت است از شعار
دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا
و دهقانان . این شعار هم طبقاتی
را معین میکند که "سازندگان
جدید روبنای جدید می توانند و باید
به آنها اتکاء نمایند و ستم خلافت
این رو بنا را ، (دیکتاتوری
دموکراتیک که از دیکتاتوری -
سوسیالیستی متمایز است) و هم
شیوه ساختمان آنرا (به شیوه
دیکتاتوری) یعنی سرکوب قهری
و نیز مسلح ساختن طبقات انقلابی

مردم" (دو تاکتیک سوسیالیستی -
دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)
درست همین اساسی ترین مسئله
نخستین حلقه مفقوده در نظرات
کومله و سهند است . آنها از روشن
کردن صف بندی نیروهای طبقاتی
در انقلاب دموکراتیک از فرمول
بندی تناسب طبقاتی قوا که تجسم
عینی و مادی خود را در دیکتاتوری
انقلابی ک رگران و خرده بورژوازی
شهر و روستا می باید ، سر باز
میزنند ، هر گاه کومله و سهند
میخواستند هرگونه ابهام را در
این زمینه از میان بردارند و ما
را متهم به تخطئه و تحریف نکنند
می بایستی تصریح میکردند که در
جمهوری دموکراتیک انقلابی -

دیکتاتوری
طبقاتی اعمال خواهد شد ؟ چه
طبقات بخصوصی باید روبنای جدید
را بسازند و همانا چگونه بسازند
تا اولاً نشان دهند که شعار آن
را مورد سوء استفاده قرار نمیدهند
در پی در هم ریختن خط و مرز دو
مرحله انقلاب نیستند و در گذشتن
از انقلاب دموکراتیک چیست؟ ثانیاً
بصراحت نشان میدادند که آیا به
لنینیسم وفادارند یا به
تروتسکیسم ؟ و ما نیز مطمئن
میشدیم که لنین نیز به علت
دفاع از دیکتاتوری کارگران
و خرده بورژوازی در مرحله انقلاب
دموکراتیک و تصریح بر این -
دیکتاتوری "پوپولیست" از کاردر
نیامده است . اگر کومله و سهند
تصریح میکردند که در جمهوری
دموکراتیک انقلابی آنها دیکتاتوری
دموکراتیک انقلابی کارگران و خرده
بورژوازی شهر و روستا اعمال
خواهد شد ، باین ابهام پایان
داده میشد ، اما از آنجا که در

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

سوسیالیسم دهقانی... از صفحه ۶

کردن اقتصاد کشور و هموار کردن راه از کنترل اقتصادی به تنظیم اقتصادی علاقه مند است اما فقط به یک شرط . شرط آن این است که اولاً کارتل سازی اجباری به مثابه "شرط لازم و مقدماتی هر کنترل اقتصادی" باشد . این شرط را می توان گام نخستین و دقیق ترین محاسبات را برقرار کرد و ثانیاً شرطی که مهم تر از شرط نخستین است این است که الفاء اسرار و بازرگانی پذیرفته شده باشد . در یک کلام می توان گفت که هزار بار صحبت از کنترل شوراها یا کارگری تر تولید یا بر تولید توزیع بکنند اما به الفاء اسرار یا بازرگانی اعتقاد نداشته باشد ، یک ذره به امر کنترل واقعی اعتقادی ندارد . به همین دلیل است که لندن در پاسخ به منشویکها و اسارها ، که مدام از کنترل صحبت میکردند اما از الفاء اسرار یا بازرگانی هراس داشتند می گفت : "بدون الفاء اسرار یا بازرگانی کنترل تولید و توزیع با بصورت یک وعده کا ملا پوچ باقی میماند که فقط بدرد این میخورد که گادتها ، اسارها و منشویکها هم طبقات زحمتکش را اغفال نمایند و با اینکه این کنترل فقط بسا وائل و شیوه های ارتجاعی و بوروکراتیک عملی خواهد گردید . . . میباید نه دولت جمهوری ما و نه ارگانهای تام الاختیار دمکراسی انقلابی هیچک در باره این نخستین کلام کنترل واقعی فکری هم نگردانند . اینجا است کلیه هرگونه کنترل . اینجا است حساس ترین نقطه سرمایه . سرمایه ای که تاراجگر مردم است و در امر تولید کارگر شکنی میکند ، به همین دلیل است که اسارها و منشویکها "از تمام با این نقطه بیساختند" (خطرات فلاتک و راه مبارزه با آن خطرات) بنظر نمیبرد که مدعیان مارکسیسم انقلابی "این نوشته لندن را" - نخوانده باشند و بحد است که بی نبرده باشند بدون الفاء اسرار یا بازرگانی یعنی این نخستین کلام کنترل ، صحبت از کنترل حرف پوچی است . این مسئله در نوشته "کاریکاتوری از برنامه حزب - کمونیست" نیز مورد بحث قرار گرفته است . پس چرا کومسله و نهند در این مورد سکوت اختیار کرده اند؟ چرا پاسخ نمیدهند ؟ آیا حقیقتاً ما دست به تحریف زده ایم یا کومسله و نهند از تملک با "حساس ترین نقطه سرمایه" بیم دارند؟ این هم از دمکراتیسم اقتصادی کومسله

زحمتکشان شهر و روستا دفاع میکنند ، دمکراسی ناپیکر خرد - بورژوازی مدافع اعمال حاکمیت مردم توسط ارگانهای ماوراء - اقتدار طبقاتی یعنی شوراها یا مردم است . پس ما چرا داریم که بگوئیم سوسیالیسم کومسله و نهند سوسیالیسم خلقی دهقانی است . این از دمکراسی سیاسی کومسله و نهند . در زمینه دمکراتیسم اقتصادی نیز آنها به همان اندازه دمکراسی سیاسی ناپیکر هستند . آنها از معادله و ملی کردن - سرمایه های بزرگ ، سرمایه های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی در ایران سر باز میزنند . کومسله و نهند که در برنامه خود مواد متعددی را از برنامه حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه اقتباس کرده اند (و تا آنجا که این مواد برنامه ای با شرایط ایران تطبیق میکند ، هیچگونه انتقاد و ایراد هم ندارند) خوب میدانند که در بخش حداقل برنامه از سیاسی کردن بانکها و بندیکها سخن به میان آمده است . آنها خوب میدانند که لندن مکرر تاکید داشته در مورد اقداماتی نظیر ملی کردن زمین و تمام بانکها و سندیکاهای سرمایه داران که به هیچ وجه به معنای معمول داشتن سوسیالیسم نیست باید با فشاری - نمود . چرا کومسله و نهند از شمار ملی کردن سرمایه های بزرگ ، سرمایه های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی سر باز میزنند ؟ مگر این امور در جهت دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور و به نفع کارگران و زحمتکشان نیست ؟ برای اینکه کومسله و نهند ما را متهم به تحفظ و تعریف نکنند خاطر نشان میسازیم که آنها تنها خواهان "در اختیار گرفتن سیاست و موسساتی که هم اکنون در دست دولت است" میباشدند . (نقل از برنامه کومسله و نهند) اما ممکن است کسی بگوید که از این امر که بگذریم آنها خواستار برقرار کردن کنترل شوراها یا کارگری بر تولید هستند و این نشان دهنده دمکراتیسم آنها در زمینه اقتصادی است . البته که شعار کنترل شوراها یا کارگری بر تولید و توزیع خود نشان دهنده این است که تا چه حد کسی به دمکراتیزه

جمهوری دموکراتیک انقلابی کومسله و نهند ترکیب طبقاتی حکومت پوشیده مانده است ، خطبتهای آن که همانا دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کارگران و خرد بورژوازی شهر و روستاست نا مشخص مانده است . در نتیجه چنین بنظر میرسد که در جمهوری دمکراتیک انقلابی دیکتاتوری کسی بر کسی اعمال نگردیده با دولتی نیست و اگر هم باشد در ماوراء طبقات ایستاده است . اینجا است که بوضوح میبینیم ملل غم اینکه کومسله و نهند مدام به جنبش بشارت میدهند که بورولیسیم را رد کرده اند . هنوز دیدگاه "غنی" عموم خلقی اراده میدهند . بر همین مبنا از آنجا که مسئله قدرت دولتی در جمهوری دمکراتیک انقلابی لاینحل مانده است کومسله و نهند خواستار اعمال "حق حاکمیت مردم" توسط شوراها یا مردم هستند . در اینجا باز دیدگاه "عموم خلقی" به عیان ترین وجه خود را نشان میدهد مردم به معنی چه ؟ کومسله و نهند میکوشند که از برخورد شخص با این مسئله طفره روند . آیا مردم شامل کارگران و زحمتکشان (زحمتکشان به معنی دقیق کلمه یعنی نیمه پرولترها) است ؟ آیا مراد از مردم کارگران و زحمتکشان بمعنای کلمه یعنی کارگران و خرد بورژوازی و روستاست ؟ آیا مراد از مردم کارگران ، خرد بورژوازی و بورژوازیست ؟ کومسله و نهند تمام این مسائل را به حالت ابهام میگذارند . بنا براین می بینیم ، در اینجا نیز تفاوت میان دمکراسی پیکر پرولتری و نا - پیکری دمکراسی خرد بورژوازی خود را نشان میدهد . در حالیکه دمکراسی پیکر پرولتری بصراحت از ضرورت استقرار دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کارگران و خرد بورژوازی شهر و روستا در مرحله انقلاب دمکراتیک سخن میگوید و از دمکراسی برای کارگران و خرد بورژوازی و دیکتاتوری و سرکوب بورژوازی و کلیه نیروهای ارتجاعی دفاع میکند . دمکراسی ناپیکر خرد بورژوازی از این تصریح سر باز میزند و شمار انقلاب را با مری پوچ بدل میکند . در حالیکه دمکراسی پیکر پرولتری از اعمال حاکمیت توده ای توسط شوراها یا کارگران ، دهقانان و کلیه

سوسیالیسم دهقانی ... از منعمه

داری دولتی و تولید خردکدامیک برای سوسیالیسم مساعدترند؟ و پاسخ میداد سرمایه‌داری دولتی، من در نزد خود محسم میکنم که برخی‌ها از این سخنان با چسب خشم عالیشان پاهای رم خواهند کرد. چه می‌گویند؟ در جمهوری شوروی سوسیالیستی انتقال به سرمایه‌داری دولتی گامی به پیش خواهد بود؟ ... آیا این خیانت به سوسیالیسم نیست؟ چنین گه بدرستی ماهیت اقتصاد خردودشمنی آنرا با سوسیالیسم میدانستیم این اعتقاد بود که این خرده بورژوازی با هرگونه مداخله دولتی مخالف است و علیه سوسیالیسم پیگار میکنند. او می‌گفت: این سرمایه‌داری دولتی نیست که در اینجا با سوسیالیسم مبارزه میکند بلکه خرده بورژوازی است علاوه سرمایه‌داری خصوصی است که با لاتفاق و در آن واحد هم علیه سرمایه‌داری دولتی و هم علیه سوسیالیسم مبارزه میکند. خرده بورژوازی در مقابل هرگونه مداخله دولتی و حساب و کنترل خواه دولتی سرمایه‌داری و خواه دولتی سوسیالیستی مقاومست و چون این یک واقعیت کاملاً بیچون و چرا است که ریشه یک سلسله از اشتباهات اقتصادی از عدم درک آن آب می‌خورد... خرده بورژوازی که چند هزاری ذخیره کرده است دشمن سرمایه‌داری دولتی است و میخواهد این چند هزار را حتماً برای خود و علیه تهدیدات هرگونه کنترل دولتی بجزایر ناندازد طبقه کارگری که آموخته باشد که چگونه باید تولید بزرگ را در سراسر کشور بر مبنای سرمایه‌داری دولتی متشکل ساخت تمام آتوها را - از استعمال این اصطلاح معذرت میخواهم - در دست خواهد داشت و آنوقت دیگر تحکیم سوسیالیسم تا مبن خواهد شد سرمایه‌داری دولتی از لحاظ اقتصادی بمراتب عالی‌تر از اقتصادیات کنونی است. (به نقل از در - باره مالیات جنسی - لنین) - خصایت کومله‌و سهند نیز در برابر سرمایه‌داری دولتی از این سرمنشاه طبقاتی آب می‌خورد. کومله‌و سهند خوب میدانند که سازمان جریکهای فدایی خلق ایران بمثابة نماینده آگاه پرولتاریای ایران در جهت برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکند. آنها خوب میدانند که ما نه در پی استقرار سرمایه‌داری دولتی بلکه در پی استقرار

توده‌هاست. حاکمیت کارگران و زحمتکشان را سرنگون کنند. اما کومله‌و سهند این وظیفه را برای طبقه کارگر قرار میدهند که در جمهوری دموکراتیک خلق در تولید اخلال کنند!! اینکه چرا کومله‌و سهند معتقدند که ما میخواهیم نظیر جمهوری اسلامی سرمایه‌ها را ملی کنیم؟ البته توضیح آنرا به بعد موکول کرده‌اند و تنها یک حکم ناقابل عذر کرده‌اند. اما با اعتقاد ما اس و اساس قضیه در این است که غریزه طبقاتی کومله‌و سهند آنها را وامیدارد که با هرگونه ملی‌کردن سرمایه‌ها مخالفت کنند. البته آنها در نوشته‌های دیگرشان جسته و گریخته اشاره میکنند که آنها میخواهند سرمایه‌داری دولتی را مستقر کنند. ما فعلاً از این مسئله می‌گذریم که گویا ما و آنها به دو زبان مختلف صحبت میکنیم و آنها درک نمی‌کنند که مصداق و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ به اضافه کنترل کارگری بر تولید و توزیع در جمهوری دموکراتیک خلق که در برنامه عمل سازمان ما است یعنی چه؟ بلکه درست به مسئله‌ای می‌پردازیم که تصور میکنند نقطه قوت آنهاست یعنی مخالفت با هرگونه مداخله دولتی در اقتصاد. ما اکنون نشان خواهیم داد که اتفاقاً همین مسئله به نحوی بسیار آشکار ماهیت طبقاتی کومله‌و سهند و نیز سوسیالیسم خرده بورژوازی آنها را نشان میدهد. میدانیم که نسه کومله‌و سهند بلشویکتر از لنینیست و نه ایران از خط سیر اقتصادی پیشرفت‌تر از روسیه در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر. هر کس که اندکی معلومات تاریخی داشته باشد میدانند که پس از انقلاب سوسیالیستی اکثریت نا مدتی چند شکل مالکیت از جمله سرمایه‌داری دولتی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وجود داشت. گروه ایوزیون چپ برهبری بوخارین که اتفاقاً نفوذ در این مورد خیلی به کومله‌و سهند نزدیک بود، با ظاهری جذاب اما در حقیقت بمثابة مدافع دهقانان خرد به سرمایه‌داری دولتی حمله میکرد لنین میگفت در کشوری که میلیون‌ها نوید کننده خرد وجود دارد در مقام مقایسه میان سرمایه‌

سهند، با چنین برنامه‌ای روشن است که نفی عملی سلسله امپریالیسم که در برنامه آنها وعده آن داده شده است چه از کار در می‌آید. این مسئله در مقاله "کارگاتوری" از برنامه حزب کمونیست بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است. تنها در اینجا خاطر نشان می‌سازیم که چون کومله‌و سهند با اقتصاد سیاسی علمی بیگانده‌اند و نمیتوانند درک درستی از سرمایه‌داری ایران، سلسله امپریالیسم و وابستگی اقتصادی داشته باشند. لاجرم تصور میکنند که این سلسله محدود به روبنای سیاسی میگردد و میتوان بدون مصادره و ملی کردن سرمایه‌های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی بدون مبارزه جدی علیه سرمایه‌مالی امپریالیستی که در تار و پود اقتصاد رسوخ کرده است. بدون قطع وابستگی‌های اقتصادی، این سلسله را بر انداختن از این درک آنها در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و بر انداختن سلسله آن درکی عامیانه و سطحی است و در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم نیز ناپیگیری خود را بوضوح نشان میدهند. هنگامیکه ما هم در جهت بر انداختن سلسله امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و هم در جهت دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور بر مصادره و ملی کردن کلیه سرمایه‌های بزرگ در مرحله انقلاب دموکراتیک آسرا می‌ورزیم کومله‌و سهند فریاد بر می‌آورند: سازمان جریکهای فدائی خلق ایران میخواهد "که نظیر جمهوری اسلامی سرمایه‌ها را ملی کند تا توده‌های کارگر را با توهم به خلق یه از بورژوازی به کار بیشتر و بیشتر و اخلال نکردن" در تولید فرا بخواند" (بیانیه) باید به کومله‌و سهند متذکر شد که در جمهوری دموکراتیک خلق که در آن حاکمیت کارگران و زحمتکشان اعمال خواهد شد کارگران علیه منافع خودشان اقدام خواهند کرد بلکه بالعکس مخالفین حاکمیت کارگران و زحمتکشان هستند که در تولید اخلال میکنند و دقیقاً اعمال کنترل کارگری که در برنامه عمل سازمان آمده است یکی از وظایفش مقابله با اخلالگرانی است که میخواهند از طریق اخلال در تولید و در موسساتی که دیگر متعلق به

سوسیالیسم دهقانی...

از صفحه ۸

اشکال مالکیت سوسیالیستی و -
مناسبات تولیدی سوسیالیستی -
هستیم ، آنچه که آنها را و -
میدارد بمشابه خرده بورژواهای -
کوته بین ، بمشابه نمایندگان -
سوسیالیسم دهقانی با ما -
مخالفت برخیزند ، دشمنی آنها با -
هرگونه مداخله دولتی و حساب -
و کنترل خواه دولتی سرمایه داری -
و خواه دولتی سوسیالیستی است و -
از آنها شبکه خیالت میکشند -
بگویند با تئوری سوسیالیسم علمی -
و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم -
مربطند ، بناچار میگویند چون -
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -
میخواهد سرمایه داری دولتی را -
منتقر سازد ما با آنها به -
مخالفت برخیزیم . پس در اینجا -
نیز می بینیم بی جهت نیست که در -
برنامه آنها از "کارتلاسی" که -
شرط لازم و مقدماتی هر کنترل -
تا اندازه های جدی است خبری -
نیست . بی جهت نیست که در برنامه -
آنها نخستین کلام کنترل یعنی -
الفاظ اصرار بازگشتی بفراموشی -
سپرده شده است کومهله و سهند با -
هر چیزی که بوی مداخله دولتی و -
حساب و کنترل از آن به مشام برسد -
مخالفتند و مخالفت آنها با سازمان -
چریکهای فدائی خلق ایران و دست -
آویز قرار دادن سرمایه داری دولتی -
نیز از همین دیدگاه منشاء میگیرد -
دشمنی کومهله و سهند با هر -
گونه مداخله دولتی و حساب و -
کنترل چنانچه یک چیز را نشان -
میدهد که آنها نمایندگان خرده -
تولید کنندگان و سوسیالیسم آنها -
سوسیالیسم خرده بورژواشی دهقانی -
است ، اگر مثله را از همین -
نقطه نیز به دشمنی آنها با -
کشورهای سوسیالیستی بسط دهیم -
اشتباه نکرده ایم . دشمنی کومهله -
و سهند با کشورهای در حال سلفیتان -
سوسیالیسم از این دیدگاه نیست .

که فلان حزب و سازمان سیاسی طبقه -
کارگر از مارکسیسم عدول کرده و یا -
دچار انحراف شده است . بلکه از -
این دیدگاه است که آنها بمشابه -
نمایندگان تولید کننده خرده اسامه -
با سوسیالیسم علمی و استقرار -
سوسیالیسم و کمونیسم مخالفت کنند . -
منتهی از آنجا که این نمایندگان -
تولید خرد آدماهی تحصیل کرده و -
تا حدی زیرک هستند سعی میکنند -
توجیه تئوریک نیز برای تمایلات -
طبقاتی خود بتراشند از همین

روست که بر سازمان چریکهای فدائی -
خلق مبتنازند که چرا -
امپریالیستی شوروی را -
سوسیالیستی معرفی میکنند؟ چرا -
"دولت ارتجاعی ویتنام" را دولت -
سوسیالیستی انقلابی معرفی میکنند . -
"سجفا در برابر برنامه حزب -
کمونیست بمشابه مدافع و توجیه گر -
شوروی و خیانت های بی انتهای این -
اردوگاه امپریالیستی به طبقه -
کارگر ایران و انقلاب ایران ظاهر -
میشود . و با ختم عالیجنابانه ای -
فریاد میزنند که اینها هم توده -
ای اند ، اقلیت در آغاز راهی که -
حزب توده به پایان رساند" قرار -
گرفته است . بسیار خوب! اما چه -
میشود کرد . دیگر چینی ما از -
این مراحل گذشته است که با هو -
و جنجال بتوان کسی را توده ای -
معرفی کرد . اکنون بر هر کودک -
دبستانی اندک آگاهی هم روشن -
است که سازمان چریکهای فدائی -
خلق ایران ، استحکام ایدئولوژیک -
سیاسی خود را در مبارزه علیه -
رویزونیسم ، در مبارزه علیه -
اپورتونیسم راست به سرکردگی -
حزب توده ، در مبارزه علیه عیار -
پردازیه های شبه انقلابی ترکیستی -
کسب کرده است سازمان چریکهای -
فدائی خلق ایران امروز از -
منجم ترین تئوری و برنامه -
انقلابی در درون جنبش کمونیستی -
ایران برخوردار است . مرزبندی -
ما در حوزه اختلافات ایدئولوژیک -
نیاسی در عرصه جنبش جهانی -
کمونیستی قاطع و روشن است . ما -
روشن ترین مرزبندی را با رویزیسم -
خوشحقی و انحرافات اردوگانه -
سوسیالیستی ارائه داده ایم . ما -
که استدالات خود را بشکل مدون -
شده و تئوریک در برابر شما قرار -
ن داده ایم . ممکن است تئوری -
های سندی بفرمایند کدام نقد -
تئوریک را در برابر آن ارائه -
داده اید؟ شما که یک شب خوابیدید -
و فردا که بیدار شدید به -
امپریالیست بودن دولت شوروی و -
ارتجاعی بودن دولت سوسیالیستی -
ویتنام رسیدید ، ممکن است -
بفرمایید چند صفحه در باره این -
کشف بدیع خود ارائه دادید که -
پرولتاریای جهان از آن مستفیض -
شود؟! اگر خودتان هم توان آنسرا -
ندارید لااقل به جنبش بگویید که -
کدامیک از پیشگامان نظریه -
حاکمیت سرمایه داری دولتی در -
شوروی کاشوتسکی ، اتو باشر -
جناحی از تروتسکیست ها ، مارتین -
نیکولائوس ، شارل بتلهایم و

را با ستاد فیکل دارید ؟ سندی -
ها حرفی برای گفتن در این زمینه -
ندارند . حرف های آنها را تاکنون -
این پیشگامان نظریه حاکمیت -
سرمایه داری دولتی در شوروی -
زده اند و بقدر کافی زمانی توسط -
بیکار و رزمندگان و دیگر گروه -
های خرده ریز خط ۲ شمار شده -
کومهله و سهند خوب میدانند که -
اگر در کردستان بسبب عدم پیروزی -
اقتصادی ، فقدان یک پرولتاریای -
نیرومند صنعتی و فرهنگ -
پرولتاریایی در محیط عمیق خرده -
بورژواشی دهقانی این نظرات در -
محدوده مسیحی هنوز میتواند -
طرفدارانی داشته باشد . امروز -
پس از ورشکستگی رقت بار خط ۳ -
گفتن "بلوک امپریالیستی -
شوروی" و "دولت ارتجاعی ویتنام" -
تنها میتواند با نیشخند تضرع -
کارگران و روشنفکران انقلابی -
ایران روبرو گردد . انحرافات -
رویزیونیستی اتحاد جماهیر شوروی -
که ما قاطع ترین مرزبندی را با -
آن داریم ، نمیتواند مستمسکی -
برای تحقیر سوسیالیسم و کمونیسم -
و نفی تمامی دستاوردهای -
پرولتاریای مراکز جهان گردد . -
کومهله و سهند بمشابه مدافعین -
تولید خرد با کشورهای سوسیالیستی -
و شیوه تولید سوسیالیستی -
دشمنی دارند ، آنها بمشابه -
پرچمدار ناسیونالیسم تنگ نظرانه -
دهقانی به ستیز با آنترناسیون -
الیسم برخیزند . کومهله و سهند -
تخم بی اعتمادی و بی اعتمادی به -
سوسیالیسم علمی و کمونیسم را -
میپاشند ، اگر بر طبق نظرات -
آنها پس از نزدیک به ۱۵۰ سال -
هنوز نظرات مارکس و انگلس بر -
روی کاغذ و در لایبلی کتابها -
باقی مانده است بلافاصله این -
سؤال برای بسیاری مطرح خواهد -
شد چه تضمینی است که برای ابد -
چنین نباشد ؟ کومهله و سهند -
سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس را -
تا حد سوسیالیسم تخیلی که طرح -
خیالی آنرا مارکس و انگلس ارائه -
داده اند تنزل میدهند . چرا که -
این سوسیالیسم بقول کومهله و سهند -
علیرغم شرایط ماعد عینی که -
وجود داشته است هیچگاه امکان -
واقعی پیاده شدن را نداشته اند . -
تئوریسین های رک گوی بورژوازی از -
دوران مارکس تا امروز همیشه -
کوشیده اند تبلیغ کنند که تئوری -
های مارکس تخیلی است و در نهایت -
او را در حد یک اومانیت تنزل -
دهند . ادعاهای کومهله و سهند

سوسیالیسم دهقانی...

از صفحه ۹
 چه دلشان بخواهد یا نخواهد در خدمت چنین تئوریهای شیر علمسی قرار میگیرد. آری مسئله از این قرار است، مارکس و انگلس مردان شریفی بودند اما افسوس که تئوریهای آنها تا کنون مکان پیدا شدن پیدا نکرده است. لنین و بلشویکها نیز تلاش بزرگی را در تاریخ آغاز کردند و مسائل نوینی را مطرح کردند. اما افسوس که انقلاب اکبر بسا شکست روبرو شد. هوشی مینه مرد بزرگی بود ولی جای تاسف است که ویتنام ارتعاشی از کار در آمدن این است که نظرات کومله و سهند کومله سهند تخم بی اعتمادی بی اعتقادی به طبقه کارگر و رسالت دور آساز آنها میباشند. اگر تا کنون طبق ادعای آنها تمام انقلاب پرولتری به شکست انجامیده است و بورژوازی در همه جا و در همه موارد قدرت را مجدداً بدست گرفته است. اساساً چه تضمینی وجود دارد که در آینده چنین نشود؟ آیا تجربه یک قرن کافی نیست؟ اگر لنین نزدیک به یک قرن پیش دلیل عدم موفقیت پرولتاریا را تا آن زمان فقدان شرایط عینی میدانست و با فرا رسیدن عصر انقلابات پرولتری بشارت پیروزیهای طبقه کارگر را داد و در عمل نیز - انقلاب اکبر و انقلابات بعدی صحت نظرات او را با ثبات رساند. کومله و سهند نزدیک به یک قرن پس از او چه دلیلی برای شکستهای پرولتاریا ارائه میدهند؟ اگر انقلاباتی که در رأس آنها امثال بلشویکها و لنین قرار داشتند با شکست روبرو شده است دیگر تکلیف انقلابی که کومله و سهند مدعی آن هستند از هم اکنون یا تمام عظمتش امروز بدست یک دولت ارتعاشی خفه شده باشد پس تکلیف انقلاب ایران از هم اکنون روشن است تئوریهای رگ گوی بورژوازی همیشه تلاش میکنند تا اثبات کنند که طبقه کارگر نه رسالتی دارد و نه ولایت و لیاقت اداره امور کشور و بدست داشتن قدرت سیاسی و کومله و سهند عملاً بر این ادعاهای

تئوریهایی رگ گوی بورژوازی مهر تایید میزنند. تصور میشود که کومله و سهند پاسخ خود را گرفته باشند برآستی در یکی دو مسأله نیست که کومله و سهند بمثابه نمایندگان خرده بورژوازی دهقانی مدافع سوسیالیسم تخیلی و مبلغ ناسیونالیسم تکنظراته از کار در می آیند، ادعای کومله مبنی بر نمایندگی پرولتاریای کردستان و معرفی خود بمثابه "مظهر آگاه و متشکل پرولتاریای کردستان" در عین ادعای نمایندگی پرولتاریای سراسر ایران که گویا پرولتاریا در عین نیاز به یک نمایندگی سراسری در هر گوشه ای به یک نماینده خاص نیز نیاز دارد. ادعای کومله مبنی بر نیاز به یک حزب سراسری و در عین حال دفاع از یک سازمان ملی به نام کومله بسا نوع ویژه حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال یعنی دفاع از سیستم فدراتیو تشکیلاتی، گویا پرولتاریا علاوه بر یک سازمان سراسری به سازمان های ملی خاص پرولتاریای ملتهای تحت ستم نیز نیاز دارد. ادعای کومله مبنی بر تشکیل حزب کمونیست بدون هرگونه پیوند و ارتباط بسا طبقه کارگر ایران که "تما می این مباحث در ریگای گمل" و در مقالات "سیک کار کومله برای تشکیل حزب کمونیست" کومله یونیدیست دفاع از خود برخاسته است و غیره مورد بحث قرار گرفته و مسا در اینجا از تکرار مطالب خودداری میکنیم، همگی بیانگر ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی کومله و سهند و سوسیالیسم خاص آنهاست. اما کومله و سهند بنحو بسیار زیرکانه ای عمل میکنند، آنها خود را نماینده پرولتاریا معرفی میکنند، تا حقیقت نمایندگی دهقانان را کتمان کنند. آنها از "مارکسیسم انقلابی" سخن میگویند تا سوسیالیسم خرده بورژوازی خود را پنهان کنند. آنها از کنترل سخن بمیان میآورند تا کنترل واقعی را انکار کنند. از انترناسیونالیسم سخن میگویند تا ناسیونالیسم خود را پوشیده دارند آنها تحت پوشش حمله به سرمایه داری دولتی به سوسیالیسم حمله میکنند تا دفاعشان را از تولید خرد و مالکیت خصوصی مقدس در

برده ابهام نگا ندارند. از حزب کمونیست سخن میگویند تا سازمان دهقانان را به جای سازمان انقلابی کارگران بنشانند. اکنون روشن است که رادیکالیسم چه کسانی عاری است و افشای این سوسیالیسم کذب، این انقلابیگری عاریست. خرده بورژوازی نمیتواند خشم و غضب خرده بورژوازی کومله و سهند را که در بیانیه منعکس است برنیا نکیزد، اما میشود کرد؟ پرولتاریا برای حفظ استقلال طبقاتی و دستیابی به اهداف تاریخی خود ناگزیر است با تمام ایدئولوژیهای غیر پرولتری نبرد کند. خرده بورژوازی سوسیالیسم کاذب خرده بورژوازی بردارد و راه خود را بین بگشاید. امروز تفکیک آشکار میان سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم خرده بورژوازی، تفکیک آشکار میان رادیکالیسم خرده بورژوازی و رادیکالیسم پرولتاریا شسمی تفکیک آشکار میان دمکراتیسم و انقلابیگری پیگیر پرولتاریا و ناپیگیری دمکراتیسم و انقلابیگری خرده بورژوازی به یکوظیفه مبرم جنبش ما تبدیل شده است. و ما که پرچمدار استقلال طبقاتی کارگران هستیم، در نخستین صف برای این تفکیک به کار میکنیم.

یاد فدائی شهید، سعیده کریمانه ۱۳۶۲
 راه سرخ این گلگون گفنان خلق را ادامه خواهیم داد. شرح زندگی مبارزاتی رفیق شهید سعیده کریمانه در شماره های آینده ریگای گمل ب اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

یورش وحشیانه رژیم به منطقه ۳ و ۴ با وارد آوردن ضربهای مهلک و بدست آوردن غنائم فراوان از جمله ۱۶۱ قبضه آرپی جی، ۹۰ قبضه کلاشینکف ۵ تیربار ۳، ۵۰ قبضه خمپاره ۶۰ میلیمتری، ۵۰ گلوله آرپی جی، پنج دستگاه بیسم و مقدار زیادی وسایل نظامی تلاشهای رژیم را برای اشغال مناطق آزاد شده خنثی ساختند. تعداد ۲۶ تن از خود فروختگان به اسارت در آمده اند. این عملیات که در تاریخ ۱۳ شهریور شروع گردیده بود، تن از پیشمرگان کومله به شهادت رسیدند. ما شهادت این فرزندان خلق را به رفقای همسنگر و خانواده هایشان تسلیت میکنیم.

پیش بسوی تشکیلات حزب طبقه کارگر

پیروز چی
بیره روی شه هیدانی
پیشینی گهلان

نپروکه خانمی



باش هیرشی به کسی ریزه می درند
چه شهری شیلاسی بو مار کوردستان
له ۲۸ گهلانوی سالی ۱۳۵۸ شه پوسی
شیلاسی شورشگران به دهی -
خه لگالی جهلگه دهستی پی کرده
شاری سته هاوربانی تیگوشه
نیداشانی نه مر ، کاک ده
و کاک شهریار تاهید ، کاک
جهیلی به خه چالی ، کاک ده
سلیسی و ۵ لوی تیگوشه دیگه
به دهس به کوری گبروانی جه
مهوری شیلاسی شهید گران
له بیره وهری شه روگه قاره -
مانانه کی گلی کورد و شهواری -
شه هیدانی له خوین گهلانوی گهل
ریز بگرین و دهتا روخانده
چه مهوری شیلاسی و دامروانی
چه مهوری دیگوشه تیگی خه
ر لگالی شه هیدانی سورخه لاتی وه لاته
که مان ، به رنده بین .

بازگشتن متنی خود، سازمان چریکهای فدائی

دانیستان ایران

راه و راه کتابهای و...

پوزش!

در ریگای گهل شماره ۹ - صفحه
۳ ستون ۳ در سطر ۳۶ جا - افتادگی
ستون مذکور بترج زبر تسمیح -
میگردد
..... آیا وظیفه ما در شه جا و
تحت هر شرایطی میباید سازماندهی
و آگاهی کارگران و زحمتکشها باشد
یا خرده بورژوازی؟ آیا تشکیلات
بیشترکه سازمان میبایستی.....

گرای باد خاطره فدائیان شهید رفقا: بیزن جنتی، مرتضی خدامرادی

سال گذشته در سرگاه خونین ۲۳
شهریورماه ۱۳۶۱ دو تن از رهروان
راه آزادی - دیکراسی و سوسیالیزم
رفقا : بیزن جنتی - مرتضی خدا -
مرادی بدست جلادان جمهوری اسلامی
پس از تحمل شکنجه های فراوان به
شهادت رسیدند ، خاطره جانبازیهای
این رفقا که خونشان را وشیه راه
رهائی کارگران و زحمتکشان نمودند
گرای بداریم و تا سرنگونی
جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری
دمکراتیک خلق یک دم از پسای
ننشینیم .



۱۷ شهریور روز و حشت شاه از قیام توده ها

از صفحه ۱

قد فرو نشاندن آتش انقلاب داشت
اما در ۲۲ بهمن پاسخ آنها از توده
ها گرفت .
جمهوری اسلامی نیز با کشتار کارگر
دانشجویان ، خلقهای کرد ، ترکمن
عرب و ... در رؤبای تسلط امپراطور
خویش تا کنون مدها ۱۷ شهریور
آفریده است ، غافل از آنکه توده
های آبدیده شده در کوره انقلاب
مجال استقرار هرگونه دیکتاتوری
را در هر نوع آن نه تنها به
خمینی و اعوان و انصارش بلکه
به تمامی آنانکه رؤبای کسب قدرت
را چون خمینی در بند و بسته های
پنهانی با امپریالیسم وایدیش
می بینند نخواهند داد . انقلاب
سیر تکاملی خود را طی خواهد
کرد و جایی برای سازشکاران و
عوام فریبان در انقلابی که کارگر
ان آنها رهبری خواهند کردند نخواهد
ماند .



پیام شاخه کردستان - سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران به حزب
دمکرات کردستان ایران به مناسبت
شهادت شانزده بیشترکه قهرمان حزب
دمکرات .

خبر شهادت شانزده بیشترکه
قهرمان حزب دمکرات کردستان ایران
که طی یک نبرد حماسی با نیروهای
سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری
اسلامی قهرمانانه بشهادت رسیدند
موجب تأثر هر نیروی انقلابی است
که علیه رژیم ددمنش جمهوری
اسلامی بیکار میکند .
شهادت حماسه آفرین این بیشترگان
فرمان که تا آخرین گلوله در -
برابر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
ایستادگی کردند و جان باختند
بنا بر عزم جزم خلقی است که
قاعطانه برای رهائی از قیدستم
بیا خاسته است و مرگ در راه رهایی
را بر اسارت و ستم ترجیح داده -
است .

تردید نیست که وحشیگریهای -
رژیم جمهوری اسلامی و توسل آشکار
به کشیفترین و سنگین ترین
شیوه های سرکوب علیه کارگران و
زحمتکشان سراسر ایران و ولایتهای
تحت ستم قلدر نیست در مبارزه
توده های مردم علیه بین رژیم خلقی
ایجاد کند . کنش مستلزم واکنشی
است . قهر و سرکوب ارتجاعی
ایستادگی ، قهرمانی و مقاومت -
انقلابی را در میان مردم
پراکنیزد . هیچ قدرتی قادر نیست
در برابر خلقی که برای رهائی
بیا خاسته است ایستادگی کند .
شکست مرتجعین حسی است . و خلق
که قطعا در مبارزه بر حق و
عادله اش پیروز خواهد شد .
ما شهادت این بیشترگان قهرمان
را به حزب دمکرات کردستان ایران
و خانواده های محترم آنها تسلیم
میگوییم .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق
کرد
مستحکم باد اتحاد کارگران و
زحمتکشان سراسر ایران و ملیتها ی
تحت ستم ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شاخه کردستان ۶۲ / ۶ / ۸

سدرکه و توبی بزوتنه وهی شورشیاندهی گهلای کورد

حمله قهرمانانه پیشمرگان دلیر فدائی، به پایگاه قافلاوا - منطقه بوکان

از صفحه ۴

از تعداد کشته شده ها و زخمی ها اطلاع دقیقی در دست نیست. شدت حملات پیشمرگان قهرمان فدایی به حدی بود که حتی دسته ای از مزدوران ارتشی و جاش و پاسدار که برای محافظت از پایگاه در به قسمت به کمین نشسته بودند فرصت عملی پیدا نکردند و زیر آتش سنگین پیشمرگان زو ضربات خوردکننده مسلسل فدائیان به گوشه سنگرها خزیدند و توان مقابله از آنها سلب شده بود. مزدوران مستقر در پایگاه نیز پس از حملات پیشمرگان دیوانه وار و هاجم واج به اطراف تلیک کرده و با آتش ملاحهای سنگین مانند توپ خمپاره و آر پی جی هفت سعی داشتند راه را بر پیشمرگان قهرمان سد کنند اما پیشمرگان دلیر فدائی پس از

موفقیت کامل در عملیات ضربتی خود همگی سالم به پایگاهها پشان باز گشتند. پس از این حمله موفقیت آمیز دشمن زبون طبق معمول پیشروی خود به قصد انتقام جویی مدتی مدید روستا ها و مناطق اطراف را زیر حمله توپ و خمپاره گرفت اما از این حملات جنون آمیز و ضد مردمی خود جز خشم و نفرت باز هم پیشتر مردم منطقه نصیبی نکرد و خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. صبح روز بعد روستائیان منطقه با شادی و سرور از پیشمرگان قهرمان استقبال نموده و بصورت غیرقابل وصفی جشنودی خود را از این اقدام قهرمانانه آنان ابراز داشتند.

از زمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان
۶۲/۶/۷

پروشی از رویدادهای شهر شهریور ماه

- ۱ شهریور - شهادت فدائی خلق یعقوب تقدیری (امیر) ۱۳۵۸
- ۲ شهریور - شهادت فدائیان خلق ایرج سپهری ۱۳۵۲ و علی مهرشکاری ۱۳۵۸
- ۳ شهریور - قیام مردم سایگون ۱۹۹۵
- ۶ شهریور - شهادت فدائی خلق هاشم بابا علی ۱۳۵۴
- ۷ شهریور - شهادت فدائی خلق اعظم السادات روحی آهنگران ۱۳۵۵
- ۸ شهریور - شهادت فدائیان خلق پروین فاطمی ۱۳۵۴ - حسن عبادی ۱۳۵۵

- ۱۱ شهریور - اعلام جمهوری د مکرراتیک ویتنام شمالی ۱۹۴۵
- ۱۲ شهریور - شهادت فدائیان خلق پرویز دآوری ۱۳۵۵ - غلامحسین بیگی ۱۳۵۶
- ۱۳ شهریور - پیروزی سالوادور آلنده ۱۹۷۰
- ۱۵ شهریور - شهادت فدایی خلق عباس کابلی ۱۳۵۳
- ۱۶ شهریور - شهادت مجاهد خلق مهدی رضایی ۱۳۵۱
- ۱۷ شهریور - جمعه خونین و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر - مرگ مائوتسه دون ۱۹۷۶
- ۲۰ شهریور - کودتای پیخوشه در شیلی و سقوط دولت آلنده ۱۹۷۳
- ۲۳ شهریور - شهادت شیخ محمد خیابانی - ۱۲۹۹ قمری
- ۲۵ شهریور - شهادت رفیق جلیل سید احمدیان
- ۲۶ شهریور - شهادت فدایی خلق رفیق اصغر جزایری - کشتار فلسطینیها در اردن - سپتامبر سیاه ۱۹۷۰

بیاد صمد

از صفحه ۱۶



ممن مبارزه امروزی جاریست صمد فرزندان زحمتکش بود. با مردم و از میان مردم بود. عصاره پاکسی و شرافت، مظهر ایمان و صداقت بود. او نمونه بارز یکمارکسیست بود. صمد هر آنچه از مارکسیسم آموخت بر زندگی صمد مباد. کوره گداخته مبارزه و سختیها - آبدار ش میساخت و در کارگاه تجربه صقلش میداد.

نوشتارهای صمد دست مایه زندگی و مبارزه اش میباشد. صمد درد توده ها را شناخته بود. زندگی اش با زندگی توده ها عجین و تصویرگر درد و رنج از سوشی و مبارزه از سوی دیگر بود صمد با درک وسیع از دگرگونی بنیادهای اجتماعی، نوشته هایش را برای چیز گفتن و صرفا بیان داشتن اندیشه های فردی اش عرضه نمیکرد. صمد در سراسر نوشته ها و آثارش سخن حرکت، تغییر دادن - ساختن، دگر سازی و دگرگونی را شایع مینمود. از اینرو آثار - صمد نه برای سرگرمی بلکه برای انقلاب بود. در افسانه دریا و ماهی سیاه کوچولو صمدی از قهرمانی، شجاعت و اراده و پشتکار عزم راسخ و فداکاری را در قالب آرمانخواهی انقلابی بنمایانگذازد. با تعمق در آن میتوان سه ژرفای اندیشه های صمد بی -

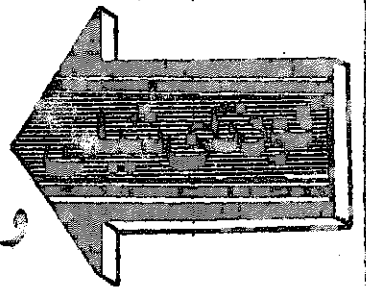
در کندوکاو در مسائل تربیتی نظام آموزشی و ویژگیهای فرهنگی منوط استواری دستاوردها میراثی ها را بیاد انتقاد گرفت و شایسته از آموزش نوین و فرهنگ مرفعی و بالنده را بیان داشت. صمد بسیاری آثار از زنده دیگر داشت اما بهترین اثرش زندگیش بود صمد عاشق توده ها بود از آنها میاموخت و با آنها آموزش میداد او نه در خود و برای خود بلکه در توده ها و برای توده ها بود. از احساسات و امید و آرزوهای توده ها سخن میگفت و برای توده ها مینوشت. از پیرامونش یادگی و بی توجه نمیگذاشت و نسبت به اطرافیانش بی تفاوت نبود. همچنانکه صمد میگفت زندگی با مرگ من مهم نیست مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیر بر روی دیگران داشته - باشد.

رفیق صمد بهرنگی، آموزگار انقلابی، فرزند گرانقدر خلق زندگی خود را وقت انقلاب و رهائی توده های زحمتکش میهنمان نمود. در انتها و عمق رود صمد بکام - ارس فرورفت. صمد ستاره شد و دنباله دار باقی ماند. صمد جاوداند شد.

را بخوانید



شکست دولت آئنده و ورشکستگی رفرمیسم



است. این عماره بروز مارکسیسم نسبت به مسئله دولت است. اتحاد خلق در تمام طول مائیلها ۱۹۷۰-۷۲ هجری قمری در جهت قبضه کردن کل قدرت سیاسی و بیرون آوردن آن از زیر نفوذ بورژوازی و انحلال ارتش و تسلیم مردم را که گمان راه تعمیق انقلاب بود نام بردند. موضعگیریهای سازشکارانه در مقابل ارتش که بیانگر ماهیت طبقاتی اتحاد خلق بود در برخورد های آن حزب کمونیست رومیزیونیستی شیلی کاملاً مشهود بود. از سوی آنستد ارتش ضد خلقی یک نیروی مردمی معرفی شد. بدیهیست که نفع ضرورت انحلال ارتش و حاکمیت نگهبان استقلال و حافظ و پاسدار منافع و نظم زندگی عادی توده ها در لای قانون (عبادت) نقل به معنی از آل سیکل ارگان حزب کمونیست شیلی (۱۹۷۰) با بستی حفظ میشود.

آئنده خرده بورژوا که بنا به سرشت طبقاتی ش بین طبقه کارگر و بورژوازی در نومان بود دولت را ارگان آشتی طبقاتی میپنداشت و سعی مینمود تا منافع طبقات متضاد را با هم آشتی دهد. نیروهای مسلح را مدافع منافع کل جامعه جا میزد و در نهایت ماهیت بورژوازی دولت را از چشم توده ها پنهان مینمود. حزب کمونیست شیلی هم بدانند تمام اپورتونیست ها که ایده سازش طبقاتی را تبلیغ میکنند ماهیت دولت رفومی است. ترین نکته مارکسیسم - لنینیسم و مورک تعریف قرار میداد و با تبلیغ ایده های سازش طبقه کارگر را به صلح بورژوازی میبرد.

از دیدگاه مارکسیسم لنینیسم دولت نه ارگان سازش طبقاتی بلکه ارگان قهر طبقاتی است. بدینوسیله ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر است. بر اساس همین ایده کلی بود که مارکس در ۱۸ برومصر صراحتاً اعلام کرد که تمام انقلابات بورژوازی باعث شکا مل ارگانهای سرکوب شده اند و نهاده انقلابیهای واقعی خلقی آئنده را داغان کردند. این ارگان سرکوب داشت. رومیزیونیستها این دستاورد مارکسیسم را نیز مانند مناسبت دستاوردهای دیگر از جوهر انقلابی تهی و آنرا قابل قبول برای بورژوازی کرده اند.

رفرمیستهای حزب کمونیست شیلی و اتحاد خلق بنا بر شیوه هم قطاران خود اساساً در استوانی بدنبال اصلاح دمکراسی بورژوازی

قدرت سیاسی و گذار مسالمت آمیز در گوشه ای از جهان متحقق شده بود. اما حکومت آئنده هر چند که جنبه های ترقی خواهانه ای در خود داشت، اما اساساً یک حکومت بورژوا رفرمیستی بود که می کوشید با انجام یک رشته رفرمیهای تدریجی اصلاحاتی در نظام موجود پدید آورد. اما اساساً از سپردن ابتکار عمل بدست توده های انقلابی هراس داشت.

حکومت آئنده منادی سازش طبقاتی بود. هیچگونه برخورد قاطعی با مرتجعین نداشت، دستگاه دولتی بورژوازی را اساساً دست نخورده باقی گذاشت و بجای سپردن ابتکار عمل بدست توده ها به دستگاه بوروکراتیک نظامی موجود تکیه داشت. در پارلمان بورژوازی هنوز بسیاری از کرسیها در اختیار نیرو های ارتجایی قرار داشت و تمام زمینه ها فراهم بود تا هرگاه کسی امپریالیسم و بورژوازی بزرگوار را بکنند، بدوران دمکراسی نیم بند خاتمه بخشیده و حکومت سرنیسه ژنرالهای ارتجایی را بجای آن قرار دهند و چنین نیز شد.

آئنده بنا بر درک رفرمیستی و انحرافی خود از مسئله دولت در انجام وظایف بلاواسطه یک انقلاب بلاواسطه، یک انقلاب تمام معنای خلقی تصور ورزید. و بدین لحاظ هرگز قادر نکشت راه را در مقابل امپریالیسم و مرتجعین داخلی و ارتش ضد خلقی که داشا در پستی تخریب و توطئه بودند ببندد. از نظر مارکس: شرط مقدمانی هر انقلاب خلقی عبارت است از در هم شکستن و انهدام ماشین دولتی حاضر و آماده. انهدام ماشین دولتی یعنی سرک کردن و نابودی تمامی ارگانها و دستگاههای اداری و نظامی که بورژوازی با تکیه بر آنها سبادت طبقاتی خود را بر طبقات زحمتکش جامعه اعمال میکند. بدون انحلال ارتش و لغو سیستم بوروکراسی نمیتوان از انهدام ماشین دولتی سخنی راند. رهائی توده های ستمکش بدون انقلاب قهر آمیز محال

با زدهم سپتامبر (ده شهریور) مصادف است با امروز سرنوشتی حکومت آئنده و استقرار دیکتاتور نظامی در شیلی. در یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳ حکومت آئنده با یک کودتای شری که توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) طرح و بمورد اجرا گذارده شد، سرنگون گردید و ژنرال پیروش زمام امور شیلی را در دست گرفت. هر چند طرح و اجرائی کودتا های شیلی توسط امپریالیسم آمریکا چیز تازه ای نیست و تاسا کنون نمونه کودتا های نظامی ساخته و پرداخته سیا به مرحله اجرا در آمده است، اما تجربه حکومت آئنده همچنین یکی از تجارب مهمی است که بنا بدلائل مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. و طبقه کارگر و توده های زحمتکش باید از این تجربه تاریخی درس های لازم را بیاموزند.

چرا که این تجربه بخوبی ماهیت کاذب دمکراسی های بورژوازی پارلمانتاریستی و ادعا های فرستاد رومیزیونیستها را مبنی بر قبضه مسالمت آمیز قدرت و گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم نشان میدهد.

هنگامیکه آئنده در ۱۹۷۰ به قدرت رسید. شرایط خود ویژه ای بر شیلی حاکم شده بود. بورژوازی در مقابل بحران اقتصادی، سیاسی جامعه و رشد و اعتلا و مبارزه توده ای به حکومتی که رفرمیهای بورژوازی را در دستور کار قرار دهد تن داده بود. و در آن شرایط جز این نمیتوانست کاری انجام دهد. بنا بر این حکومت آئنده بر مبنای جبهه اتحاد خلق که حزب کمونیست رومیزیونیست شیلی، حزب سوسیالیست و حزب رادیکال سه پایه اصلی آنرا تشکیل میدادند طبق انتخابات بقدرت رسید. پیروزی آئنده در انتخابات تمام رومیزیونیستها، از جمله حزب کمونیست شیلی را بوجد آورد چرا که بزم آنها استفاده از ابزار های مسالمت آمیز برای قبضه

کودتای شیلی، شکست ...

از صفحه ۱۳

بودند و قصد داشتند تا شایسته بدین طریق نتوانند نقش بایستی گسترده تر طبقه کارگر و توده های خلقی را در آن گسترش دهند. اینک معادیم در خیلی ظاهرا به پایانه های اتحاد و همکاری طبقه کارگر با قشرهای بورژوازی صنعتی متوسط و خود بورژوازی در مبارزه علیه استبداد استامپریالیستی تبدیل شد. اما اگر واقعیتش مستقل طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی تضعیف و یا - اما - میگردید. فقدان رهبری انقلابی طبقه کارگر نه تنها باعث شکست تا علیه امپریالیسم و سرمایه داری مبارزه قاطع و اقدامات ریشه ای صورت نگیرد و دست بورژوازی برای ترغیب طبقه دستاوردهای جنبش به گداخته شود بلکه عوامل متعددی بر سر راه رشد انقلابی شیلی بر جای میماند.

حزب کمونیست شیلی طبقه اقدامات دولت آینده را نظیر ملی کردن شرکتها و بانکها - گسترش بازار داخلی، واگذاری اعتبارات کسم به سرمایه داری متوسط و کوچک، تشکیل بیگاری و افزایش دستمزدها، افزایش سهم کارگران از درآمد ملی ... که فراتر از رفاههای بورژوازی نیز نبودند، بنام - اقدامات امپریالیستی بخورد طبقه کارگر میدان. اما آنچه همیشه رفاه را به برگشت پذیر کرد نبودن امکاناتی اشتغال نسوده های برای حفظ و پیشبرد دستاوردهای این دوره حاکمیت اتحاد خلق در شیلی بود. در عوض آنچه هر لحظه تهدیدی برای این دستاوردها محسوب میشد همانا دست نخوردن دولت بورژوازی و ارتش آمریکائی آن بود که دائما مترصد فرصت مناسب بود که به یکباره شایعی این دستاوردها را باز پس بگیرد. بورژوازی با تمام توان

سیاسی و نظامی خود نه تنها با هرگونه قدرت و اقتدار کارگری و انقلابی بلکه با هر رفی می کسم ستافح آنرا در معرض خطر قرار دهد بمقابله بر میخیزد. که بالاخره در شیلی چنین هم کرد.

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ بورژوازی

بزرگ دست در دست انحصار است. امپریالیستی و مزدوران شان در نیروهای مسلح یعنی افسران و ارتش آنرا با یک کودتای خونین حکومت آینده را سرنگون ساختند و یک دیکتاتوری فاشیستی و مریسان روی کار آوردند.

اهداف برقراری دیکتاتوری نظامی عبارت بودند از: ۱- حل بحران اقتصادی ۲- ایجاد شرایطی برای حل بحران درونی بورژوازی ارتش و اعمال رژیم ملی سرمایه داری وابسته بزرگ. کودتا علاوه بر سرنگونی آینده و تلاش برای نابودی مضراتی که دولت رفو میستی اتحاد خلق بر منافع بورژوازی داشت یک هدف دیگر را نیز دنبال مینمود و آن اینکه شرایطی فراهم شود تا بورژوازی بتواند اعمال خلقی و استبداد دیکتاتوری دستاوردهای مبارزاتی توده ها را نابود و امکان قدرت بایستی نیروهای واقعا انقلابی را در درون جامعه مد نماید.

بعد از کودتای حزب کمونیست کسم خود با پیش گرفتن سیاست انحلال پرولتاریا و بورژوازی و تهدید شدن به بازگشته بورژوازی همسلا توده های وسیع و طبقه کارگر و ا متغیر و قدرت آنها را تضعیف نمود و بزرگترین نقش را در عدم تا مین شرایط لازم برای پیوستن از موفقیت توطئه بورژوازی پس عهده داشت. مسئولیت شکست دولت آینده را بر عهده میر (جنبش چپ انقلابی) پمپون جریانی و اورا چپ انداخت و مدعی شد که اقدامات

و تحریکات این جریان (میر) انگیزه محرک برای کودتا بود. در حالیکه بنا بگفته خود این حزب میر در آن دوران جریسان ضعیف و کوچکی بود.

میر (جنبش چپ انقلابی) که در سال ۱۹۶۵ بیانگذار شده بود طی دوران ۷۲ - ۱۹۷۰ در لگوای حمایت مشروط حتی افشای ضربات لیزول حکومت ملی اتحاد چپ و در برابر قدرت و تعدی بورژوازی و امپریالیسم توانست رشد و پیوستگی کند. میر در تمام این دوران بیشترین توان خود را صرف سازماندهی توده های زحمتکش حاشیه نشین شهرها و طبقه کارگر و افشار زحمتکش خود و پیوستن از همه میر یکی از جریاناتی بود که توانست سازماندهی مقاومت توده های را علیه کودتای

نظامی بپوشاند. همزمان در شرایط کودتای فاشیستی، ارتش خود را با توده های زحمتکش حفظ کند.

آندره اسکال آندره میر در سپتامبر ۱۹۷۳ پس از شکست آن با اختیای خود در زمان دولت اتحاد خلق بر میری با لودور آندره است. دولت اتحاد خلق را چنین بیان داشت. طبق نظر میر اتحاد خلق دقیقا بدین طریقت سقوط کرد کسم دولت نماینده آن دولتی انقلابی نبود آنچه درون اتحاد خلق فلبه داشت عبارت بود از سیاستهای رفو میستی، اعتقاد بامکان همه پایی به سرمایه داری از طریق یک رشته اطلاعات در بازار پرولتاریا بورژوازی و گرایش به جاذبی کسم دشمنان، توجه در مورد امکان اختلاف با اقتدار بورژوازی - (دمکرات سوسی) و اعتقاد دیمپونه به قانون پرستی و حرفه گراشی افراد نیروهای مسلح ارتجاعی در مقابل اتحاد خلق باید قدرت خویش یعنی حمایت توده های زحمتکش را از دست داد. رهبران رفو میست بدنبال خواسته سازش با بورژوازی شد و امپرشفت توده های شدت را با رتد قدرت - سیاسی نظامی خلق به دستالاست برخواستند. توجیهات قانون پرستی را در میان توده ها افکاره و آنان را گمراه و خلق سلام کردند و بدین طریق شرایط پیروزی گردان فراهم گشت.

کودتای نظامی و شکست آندره یکبار دیگر نظامی کسم پیروزیست تشویر گذار مالیات امیز و مارشی با دشمنان طبقاتی و حمایت شورشی توده ها از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم را با شایعه رمانیست.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

یورش وحشیانه رژیم به منطقه گورک مهاباد با مقاومت سرسختانه پیشوگان قهرمان و پروگردید

روز ۱۲ شهریور ماه جاری، یورشهای سرکوبگر و سوارهای
بالغ بر ۵۰۰ نفر مرکب از ارتش، پاسدار، بسیج و جانشینان
خود فروخته از ۵ جبهه، گورلان (واقع در جاده سردشت مهاباد)
سوی ناس (واقع در چند کیلومتری جاده سردشت به مهاباد) میرده
(واقع در جاده سقز - مهاباد) توجان و شهریکند واقع در جاده فرعی
بوکان به منطقه گورک، شهاجم وسیعی را علیه مناطق آزاد شده
آغاز کردند، دشمن با وفالیت و درنده خوشی تمام روستاهای مسی
را با اسلحههای سنگین (گاتوشا - خمپاره ها) ۱۳۰ و ۱۲۰ میلیمتری
توپ ۱۰۶ مورد وحشیانه ترین حملات قرار داد، شهریور ماه ۱۳۶۲
دشمن در حمایت، هلیکوپترهای آمریکایی شروع به پیروی در صفحه



یاد فدائی شهید، رفیق سعیده گریهان گرامی باد.

سمرگاه روز ۱۱ شهریور ماه سال جاری فدائی شهید، رفیق سعیده
گریهان در حالیکه ۱۶ بهار از زندگیش را سپری نکرده بود همراهِ
۱۳ رزمنده انقلابی دیگر در شهر سقز بجوخه، عدام میرده شد، مسما
فن محکوم کردن این جنایت بیگانه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی به
خانواده این شهدا، خلق گورک و همسران شان تسلیم میگوئیم و تمام
سرنوشت رژیم جباران و حامیان امپریالیسم و تاپیروزی نهائش

در صفحه ۱۰

یکسال از شهادت رفیق

آگاه، رزمنده جنگی پندیر
پیشمرک قهرمان، فدائی
شهید رشید یزدانی (سکوا)
گذشت، خاطره دلآویزهای
رفیق، پیگیری مبارزه او در
راه رهایی کارگران و
زحمتکشان و نبردهای حماسی
اش در جنبش انقلابی خلق گورک
همواره جاودان خواهد بود.
رفیق محکو در سالهای پیش
از قیام خونین ۵۷ بمبارزه
بر علیه امپریالیسم و
ایادیش پرداخت و به همین
منظور تصمیم به شرکت در
جنبش دیکراتیک کردهای عراق
گرفت ولی در مرز سومین
مزدوران شاه دستگیر و
زندانی شد پس از مدتی از
جنگ دژخیمان شاه رها بسی
یافت و فعالیت خود را در
صفوف دانش آموزان با پیش
کتاب و نشریات انقلابی ادامه
داد، به هنگام اوجگیری
جنبش توده ها بر علیه رژیم
منفور پهلوی در بسیج و
سازماندهی دانش آموزان و مردم
شهر بوکان نقش بسزایی

در صفحه ۲

صد چهره ای آشنا و ماندگار در
تاریخ مبارزات انقلابی نوین خلق
است. او نه تنها یک معلم و
سویسنده انقلابی بلکه سمبل و
آلگوی انقلابیون مین ما است.
صد اسلحه واقعی و آینه
تمام نمای یک کمونیست فداکار بود
حمد را باید در اندیشه، زندگی
مبارزاتی و آثارش شناخت. زندگی
افسانه ای صد با ارس آغاز گردید
در سکوت مرکب دشت حرکت یافت.
ز دره ها گذر کرد، از کوهها
بالا رفت و در تنگی شتاب گرفت. با
غره ها بستیز برخاست و از پیچ و
شها گذشت، کوره راهها را پشت
سر نهاد مانند طوفان چرخید
و پیچید. دیار به دیار گشت. و
از آشنا و غریبه سراغ گرفت، هر نا
گذا آبی را شناخت و از دورترین
قریبه های آذربایجان سر در آورد.
در دوران تب و تاب و ظلمت
در سیاه شب خوفناک دیکتاتوری
صد مشعلی شد فروزان، هر کجا
رفت نور امید در دلها نهاده
آموزگار سرخ زندگی شد و بنام یک
معلم آگاه انقلاب در کنار کودکان
آذربایجانی کلاس آموختن را گشود.
اما کلاس صد نه در حیطه یک اتاق
مدرسه، بلکه در تمامی پهنه
سین بود که کلام صد جاری میشد.
درسهای صد و هر آموختن آن خود
پهنه ای بود جانشین، مگر صد چه
میگفت که هر کس در مبارزه قدم
میگذارد از او آغاز میکرد. چه
میگفت که گفتارش از گرمی نیافتاد
صد که بود و چه کرد کس
ندیشه هایش مداوم و هنوز هم در
در صفحه ۱۲



یاد فدائی شهید، رفیق سعیده گریهان گرامی باد.

سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد به شور و دیکراتیک خلق